



قطعاً خیر. هر جامعه‌ای هویت دینی خود را دارد و در عین حال می‌تواند به توسعه دست یابد. اما زمانی که در منافع ملی یک کشور، رفاه شهروندان در اولویت نباشد، دیگر نمی‌توان آن را منافع ملی نامید. بلکه به منافع دولت، یک ایدئولوژی خاص یا یک جریان سیاسی خاص تقلیل می‌یابد. در منافع ملی واقعی، وزن رفاه ایرانیان باید پررنگ باشد. هر سیاست، قلم، استراتژی یا اقدامی که رفاه ایرانیان را مخدوش کند و توسعه را به حاشیه براند، زیر سؤال است. متأسفانه، ما هنوز در این زمینه نیازمند گفت‌وگو و مفاهمه هستیم.

نکنه دومی که باید به آن توجه کرد، دیدمان فکری ما برای حکمرانی و توسعه است. با چه دیدگاهی می‌خواهیم توسعه را سامان دهیم؟ با چه دیدگاهی می‌خواهیم رفاه ایرانیان را ایجاد کنیم؟ با چه دیدگاهی می‌خواهیم سیاست‌های عدالت توزیعی را حاکم کنیم؟ اینها سؤالات اساسی است که نیازمند گفت‌وگو و بحث و بررسی هستند. در مورد توزیع ثروت و درآمد که سؤال شما بود، باید بگویم که این موضوع فراتر از عدالت توزیعی صرف است. عدالت ابعاد مختلفی دارد: عدالت در توزیع ثروت، عدالت در توزیع فرصت‌ها، عدالت در توزیع قابلیت‌ها، عدالت در توزیع منزلت و قدرت. بی‌عدالتی در هر یک از این حوزه‌ها می‌تواند به مشکلات جدی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منجر شود. جامعه عادلانه، جامعه‌ای است که در پی تحقق این ابعاد مختلف عدالت باشد.

عدالت، یک امر زمینی است. ما نمی‌توانیم عدالت الهی را به طور کامل در جامعه پیاده کنیم. اما می‌توانیم مظاهر عادلانه‌تری و نازداری را شناسایی و برای رفع آنها تلاش کنیم. برای این کار، باز هم به گفت‌وگو و مشارکت مردم نیاز داریم. مردم باید در شکل‌دهی به سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نقش داشته باشند. دولت و حاکمیت باید برای رفاه مردم تلاش کنند و وابستگی مردم به حاکمیت را از این طریق افزایش دهند.

◀ سیاست‌های یارانه‌ای فعلی ما کارآمد نیستند. با وجود این همه یارانه آشکار و پنهان، چرا حجم فقر در جامعه افزایش می‌یابد؟ چرا به خودمان نمی‌گوییم که این نوع یارانه دادن و سیاست‌گذاری، جواب نمی‌دهد؟

حجم یارانه‌های پنهان در ایران به حدی رسیده که بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی را می‌بلعد. اخیراً نایب رئیس مجلس اعلام کرد که سالانه بیش از صد میلیارد دلار یارانه پنهان در کشور پرداخت می‌شود. این رقم بسیار هنگفت است.

## حجم یارانه‌های پنهان در ایران به حدی رسیده که بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی را می‌بلعد. اخیراً نایب رئیس مجلس اعلام کرد که سالانه بیش از صد میلیارد دلار یارانه پنهان در کشور پرداخت می‌شود. این رقم بسیار هنگفت است

از سوی دیگر، یارانه‌های آشکاری که به خانوارها پرداخت می‌شود، رویکردی آتش‌نشانی دارد. ما جامعه را با سیاست‌های غلط خود زیر آواری از مشکلات قرار می‌دهیم و سپس با یارانه‌های مسکن و معیشتی سعی می‌کنیم این آوار را کمی فروکش کنیم. چرا سیاست‌های فقرزدایی ما، سیاست‌های عدالت توزیعی ما، معلول محور هستند؟ چرا علت‌محور نیستند؟ چون نمی‌خواهیم سیاست‌های خود را از معلول محور به علت‌محور، از حکمرانی آتش‌نشانی به حکمرانی توانمندساز تغییر دهیم. دولت نباید نقش پرستار را برای مردم ایفا کند. مردم را نباید عناصری منفعل و گوشه‌گیر تلقی کرد که همواره نیازمند کمک دولت هستند. دولت باید نقش توانمندساز را ایفا کند و زمینه را برای مشارکت و شکوفایی استعداد‌های مردم فراهم کند.

مثلاً رئیس‌جمهوری در مجلس، در جریان استیضاح وزیر اقتصاد، از مردم عذرخواهی کرد و گفت: «شمرنده هستیم که مازوت می‌سوزانیم.» اما ما نمی‌خواهیم مازوت بسوزانیم! آقای رئیس‌جمهوری، آیا شما می‌دانید حجم قاچاق سوخت در کشور چقدر است؟ آیا می‌دانید چرا قاچاق سوخت رونق دارد؟ قطعاً می‌دانید. نمی‌شود که ندانید. قاچاق سوخت به حدی علنی شده که در مرزهای جنوبی و غربی کشور، قطار قطار ماشین‌ها و کامیون‌های قاچاق سوخت را می‌توان دید. دلیل این وضعیت چیست؟ دلیلش این است که قیمت‌های سوخت اصلاح نشده است. چرا اصلاح نمی‌شود؟ چون هر سیاستی نیازمند همکاری و همراهی مردم است. متأسفانه، ما سال‌هاست که به مرحله امتناع سیاست‌گذاری رسیده‌ایم. زمانی که شاخص اعتماد اجتماعی به پایین‌ترین حد خود می‌رسد و واگرایی بین دولت و ملت اتفاق می‌افتد، دولت‌ها

امکان اجرای سیاست‌های اصلاحی را از دست می‌دهند و به سمت سیاست‌های پوپولیستی سوق پیدا می‌کنند.

شما نمی‌توانید قیمت بنزین را اصلاح کنید، قیمت حامل‌های انرژی را نمی‌توانید اصلاح کنید، چون مردم استقبال و همکاری نمی‌کنند. مردم برای این عدم همکاری دلایل متعددی دارند.

در مورد مالیات هم که اشاره کردید، باید بگویم که ما یک طرف درآمد داریم و یک طرف هزینه؛ بودجه دولت از این دو بخش تشکیل شده است. دولت باید هم در مورد درآمدها و هم در مورد هزینه‌ها به مردم پاسخگو باشد. تجربه جهانی نشان می‌دهد که اقتصادهای موفق، اقتصادهایی هستند که بر پایه مالیات اداره می‌شوند. مردم باید بدانند مالیاتی که می‌پردازند، کجا و برای چه هدفی هزینه می‌شود. چرا ما یک‌بار نمی‌نشینیم و بررسی کنیم که در سال جاری که سال مهار تورم بود، چه اقداماتی انجام دادیم؟ چرا مجلسی که این همه مدعی است، به ردیف‌های گسترده بودجه دست نمی‌زند؟ مردم مالیات می‌دهند که رفاه برایشان ایجاد شود، نه برای صاحبان قدرت. شما حق ندارید منابع عمومی را صرف تشخیص‌های خودتان، صرف قدرت خودتان، صرف توزیع رانت بین مستولان و قدرت‌مداران کنید. مالیاتی که می‌گیرید و منابعی که از انفال نفت و مالیات به دست می‌آورید، نباید این‌گونه هزینه شوند.

متأسفانه، دولت به دلیل کمبود منابع درآمدی از نفت، به روش‌های متعارف برای تأمین مالی از مردم متوسل می‌شود و مالیات می‌گیرد. این همه فشار و افزایش نرخ مالیاتی و فشار بر مردم و بنگاه‌های اقتصادی، هنر نیست. یک بنگاه کوچک اقتصادی که می‌خواهد شکل بگیرد، اداره مالیات و سازمان تأمین اجتماعی دو نهادی هستند که آن را بیچاره می‌کنند.

تورم هم نوعی مالیات منفی است که باز هم مردم آن را می‌پردازند. تورم زمانی ایجاد می‌شود که شما دست به هزینه‌ها نمی‌زنید و کسری بودجه ایجاد می‌کنید و آن بخش از منابعی هم که صرف رفاه مردم می‌شود، با رویکرد ناکارآمد هزینه می‌شود. در نتیجه، اعتماد مردم سلب می‌شود و واگرایی بین دولت و ملت افزایش می‌یابد و پایه جامعه گسسته می‌شود. در چنین شرایطی، نمی‌توان رفاه و توسعه ایجاد کرد. این دره‌م‌تنبیدی مشکلات نهادی در کشور، منجر به بروز نمایش حکمرانی ضعیف شده است. علت‌العلل این ناترازی‌ها، ناهنجاری‌ها، فقر و محرومیت، کیفیت حکمرانی است. اگر بخواهیم با رویکرد و مسیر گذشته به آینده نگاه کنیم،